ادامه از صفحه اول

مقطع جدید روابط تهران- ریاض

اینک روابط ایران و عربستان بدترین دوره خود را در این سال‌ها و شاید دهه‌های اخیر می‌گذراند. اعدام نابخردانه شیخ نمر و واکنش خارج از عرف و نامعقول به آن و از همه بدتر حمله به سفارت ریاض در تهران و آتش‌زدن آن، گویای گویش آن دو نفر است که یکی خلافی مرتکب می‌شود و طرف دیگر هم با این توجیه که «هرچه عوض دارد، گله ندارد»، فرایند گفت‌وگو را مغلوبه می‌کند و راه را برای هر اقدامی منطقی می‌بندد. به نظر می‌رسد تحولات سال‌های پر از عسرت و حسرت اخیر به‌ویژه آنچه در یک سال گذشته اتفاق افتاد، به قدری درس‌آمیز و عبرت‌انگیز بوده که دارد ملک سلمان و ولیعهد بی‌تجربه و جویای نامش را سر جای خود می‌نشاند و آن دو را متوجه اقدامات نابخردانه و حتی جنایتکارانه‌ای که در این چند سال مرتکب شده‌اند، می‌کند. در ایجاد چنین تحول محتملی رویدادهای زیادی نقش‌آفرین بوده و هستند. ائتلاف علیه حوثی‌های یمن به رهبری عربستان سعودی ترک اساسی برداشته است؛ قیمت نفت به‌گونه‌ای بی‌سابقه کاهش یافته و ریاض و مسکو را مقابل هم قرار داده است؛ روابط ریاض- واشنگتن که ۷۵ سال است بر پایه گفتمان «نفت در برابر امنیت» استوار است، متزلزل شده؛ به‌طوری‌که نه آمریکا دیگر به نفت عربستان نیاز دارد و نه این کشور قادر است امنیت خود را به‌طور مستقل تأمین کند. طنز تلخ آنکه حربه نفت دیگر نه‌تنها در دست سعودی‌ها نیست بلکه لبه تیز آن هم متوجه خود آنها شده است. اینک غول نفتی آمریکا و لابی‌های قدرتمندش به خاطر کاهش شدید قیمت نفت از دست عربستان خشمگین‌اند و آن کشور را مقصر واردشدن زیان هنگفت به خود می‌دانند. مطالب پیش‌گفته حکایت از این می‌کند که زمان بازاندیشی در باب ایجاد رابطه با ریاض فرارسیده است. بهینه‌سنجی زمان انجام اقدامات دیپلماتیک در تخصص سیاست‌ورزان حرفه‌ای و انجام آن توسط آنها واجب عینی است. اینک عربستان خود را مضطر می‌بیند و از این‌رو برای تأمین امنیت خود به اسرائیل در درون منطقه و چین در خارج از منطقه می‌اندیشد. ترس از تهران از جمله دلایل اصلی این توسل‌جویی است. پاک‌کردن صفحه سیاه در روابط تهران و ریاض و پیش‌قدمی در انجام تدابیر اعتمادزا (confidence building measures) اقداماتی است هنجار که باید سراغش رفت و به استقبالش شتافت. ایران در منطقه حرف‌هایی دارد اصولی و منطقی و باید هم به‌عنوان قدرتی تأثیرگذار و نقش‌آفرین مورد اجماع کشورهای منطقه قرار گیرد. چنین اجماعی جز با ارتباط مؤثر با آن کشورها حاصل نمی‌شود. با کشورهای کوچک منطقه بزرگوارانه رفتار و با عربستان از موضع اقتدار ناظر به تعامل سازنده برخورد کنیم. تا وقتی که به‌طور مستقیم و چهره‌به‌چهره مذاکره و گفت‌وگو صورت نگیرد، هوده‌ای در کار نخواهد بود و خون‌ریزی در یمن، یکه‌تازی اسرائیل در منطقه و تداوم گرفتاری کشورهایی مانند سوریه و تا حدودی عراق در جنگ‌های نیابتی و یکه‌تازی تروریسم و گرفتاری دیگر کشورها از تبعات و ترکش این سیه‌روزی‌ها پابرجا خواهد ماند. خاورمیانه نیازمند هوای تازه است تا بتواند از فلاکت موجود فراغت یابد و راه پیشرفت و تعالی در پیش گیرد.

خط لوله گوره به جاسک تبلور عزم ملی

طرح انتقال نفت خام گوره- جاسک، طرحی در ابعاد ملی و نمادی از خودکفایی و تکیه بر توانمندی‌های داخلی است. نزدیک به ۹۰ درصد کالاهای مورد نیاز این طرح از داخل کشور تأمین می‌شود و این طرح را به الگویی از اتحاد و خودباوری بدل می‌کند. با ادامه بی‌وقفه روند عملیات اجرائی طرح انتقال نفت خام گوره- جاسک و استمرار زنجیره تولید لوله، تمام لوله‌های مورد نیاز این طرح ملی تا سه ماهه سوم امسال تولید می‌شود. احداث مخازن ذخیره‌سازی نفت‌خام، نیروگاه برق به ظرفیت ۱۴ مگاوات و کارخانه آب شیرین‌کن بخش‌های دیگر پروژه گوره- جاسک هستند که بهره‌برداری از دو میلیون بشکه مخازن ذخیره‌سازی نفت خام و طرح احداث نیروگاه برق به ظرفیت ۱۴ مگاوات تا پایان امسال در دستور کار سرمایه‌گذار بخش خصوصی قرار دارد. عملیات اجرائی این طرح، در دوران شیوع ویروس کرونا نیز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به‌منظور حفظ سلامت مردم بومی و کارکنان، همچنان ادامه داشت و کارکنان صنعت نفت همچون جهادگران جبهه اقتصادی، برای پیشرفت این طرح توسعه‌ای از هیچ تلاشی دریغ نکردند.فعالیت‌ها و اقدامات به‌نحوی برنامه‌ریزی شده است که بخش‌های اصلی این طرح تا پایان امسال به بهره‌برداری برسد و نفت خام به‌منظور ذخیره‌سازی و صادرات، به غرب منطقه جاسک در ساحل دریای عمان خواهد رسید. توسعه منطقه مکران یکی از اولویت‌های وزارت نفت در این طرح خواهد بود که هم‌زمان با عملیات اجرائی و نیز در زمان بهره‌برداری، سبب ایجاد فرصت‌های شغلی زیادی می‌شود که در روند دستیابی به توسعه شهری و ایجاد اشتغال‌زایی امری مهم خواهد بود.با فعالیت و همراهی صنعت نفت و بخش خصوصی در طرح عظیم و راهبردی انتقال نفت خام گوره- جاسک می‌توان امیدوار بود که در سال ۱۴۰۰ مطابق برنامه زمان‌بندی، بهره‌برداری از این طرح راهبردی و ایجاد ظرفیت انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت خام به سواحل مکران فراهم شود.

*مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت

بررسی زمزمه‌های انتخابات ریاست‌جمهوری در جبهه اصلاحات

لاریجانی، روحانیِ اصلاح‌طلبان می‌شود؟

عکس: محمدرضا عباسی، مهر

مهرشاد ایمانی: اصلاح‌طلبان در شرایطی به‌سر می‌برند که از یک‌سو مجلس را به طور کامل از دست داده‌اند و در بهترین حالت به تعداد اندک اصلاح‌طلبان غیرسرشناس و مستقلین چشم دوخته‌اند و از سوی دیگر با توجه به نبود راهبرد مشخص انتخاباتی بسیار سخت به نظر می‌رسد که بتوانند در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ با یک نیروی کاملا اصلاح‌طلب فاتح انتخابات باشند. اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ یک مانع مهم یعنی بررسی صلاحیت‌ها را پیش‌روی خود می‌دیدند یعنی لحاظ سرمایه اجتماعی نگرانی خاصی نداشتند، اما در انتخابات مجلس در اسفند سال گذشته با هر دو مشکل به صورت توأمان مواجه شدند؛ به‌نحوی‌که از یک‌سو در نوع بررسی صلاحیت‌ها نه‌تنها تغییری ایجاد نشده، بلکه سخت‌تر هم شده است و از سوی دیگر آن سرمایه اجتماعی عظیم سال ۹۲ هم وجود ندارد. با این اوصاف درعین‌حال که مشخصا از سال ۹۷ نیروهای شاخص اصلاح‌طلب بر حضور اصلاح‌طلبان با هویت اصلاح‌طلبی در مجلس تأکید می‌کردند، با توجه به اقبال مردم به انتخابات و نیز عدم امکان تأیید نیروهای شاخص اصلاح‌طلب، اخیرا علاوه‌بر حزب کارگزاران، گویا دیگر اصلاح‌طلبان هم بر حمایت از علی لاریجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده تأکید می‌کنند که درواقع ادامه همان سیاست ائتلافی سال ۹۲ است.

اخیرا الیاس حضرتی، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی، در پاسخ به پرسشی مبنی‌بر اینکه «آیا اصلاح‌طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ باز هم به سراغ کاندیدای اجاره‌ای می‌روند یا خیر؟» گفته است: «البته کاندیدای اجاره‌ای کلمه خوبی نیست. امروز، هم آقای لاریجانی و هم آقای روحانی اصلاح‌طلب هستند و هر دو آنها از گفتمان اصولگرایی عبور کرده‌اند. به‌طورکلی یکی از افتخارات ما اصلاح‌طلبان این است که شخصیت‌های اصولگرا را به شکلی محترمانه از اصولگرایی عبور داده و به اصلاح‌طلبی سوق داده‌ایم که این مسئله تنها محدود به آقای روحانی و آقای لاریجانی نیز نمی‌شود و در گذشته نیز آقای ناطق‌نوری چنین وضعیتی داشته است». البته این سخن حضرتی شاید از نظر محتوایی قدری درست باشد، اما از نظر تشکیلاتی دقیق نیست، زیرا علی لاریجانی هیچ‌گاه خود را در جبهه اصلاحات تعریف نکرده است و حتی در انتخابات مجلس در سال ۹۴ هم این اصلاح‌طلبان بودند که او را در لیست امید قرار دادند و او هیچ‌گاه چنین درخواستی را از اصلاح‌طلبان مطرح نکرد. پیش‌تر هم از این دست اظهارات از سوی اعضای حزب کارگزاران مطرح شده بود؛ چنان‌که در سال ۹۷ یدالله طاهرنژاد گفته بود: «اگر به این نتیجه برسیم که امور زندگی و معیشت مردم با حمایت ما از آقای لاریجانی بهتر می‌شود، احتمال دارد که اصلاح‌طلبان از آقای لاریجانی حمایت کنند. هرکس بتواند کشور را به درستی اداره کند، ما مخلص او هستیم».

یا سال بعدش؛ یعنی در سال ۹۸ محمد عطریانفر گفت: «درباره آقای لاریجانی باید این را در نظر داشت که شرایط او نسبت به سال ۸۴ در کل فرق کرده است؛ به‌هرحال تجربه سه دوره ریاست مجلس کافی است تا او به‌عنوان یکی از نامزدهای اصلی و شاخص انتخابات ۱۴۰۰ مطرح شود». غلامحسین کرباسچی هم جزء آن دسته افرادی است که تقریبا همیشه از سیاست ائتلافی حمایت کرده. او چندی پیش گفته بود: «در سال ۹۲ هم اگر آقای هاشمی تأیید می‌شد، همه نیروها سمت او می‌رفتند اما خب نشد، باید چه‌کار می‌کردیم؟ اجاره نمی‌کردیم هم باید در خیابان می‌نشستیم. اینکه کاندیدای اجاره‌ای نداریم حرف معقولی نیست. همه از این کشور هستند، اختلاف‌نظر سیاسی داریم، اما باید دید که در پیشبرد مسائل کشور کدام‌یک از این نیروها می‌توانند مفیدتر باشند و بهتر عمل کنند. باید دید کدام نیروها می‌توانند هماهنگی بهتری را با سایر نیروهای کشور ایجاد کنند». احمد شیرزاد که قرابتی با کارگزاران ندارد هم چندوقت پیش در گفت‌وگو با «شرق» سیاست ائتلافی را رد نکرد: «اگر منصفانه قضاوت کنیم، سیاست ائتلافی اصلاح‌طلبان با آقای روحانی شکست نخورد. شاید اکنون که در اوج بحران‌ها قرار داریم، چیزی جز انتقاد به آقای روحانی و اصلاح‌طلبانی که از او حمایت کردند به ذهنمان نرسد، اما پس از این دولت و در شرایطی که از این بحران‌ها دور شده باشیم، می‌توانیم داوری دقیق‌تری انجام دهیم. واقعیت این است که سیاست اصلاح‌طلبان در سال‌های ۹۲ و ۹۶ هم خودشان و هم روحانی و هم مردم را منتفع کرد، زیرا اگر روحانی رئیس‌جمهور نمی‌شد، یک نیروی تندروی اصولگرا بر کرسی ریاست‌جمهوری می‌نشست و معلوم نبود متعاقب سیاست‌های چنان فردی در تمام این سال‌ها چه بر سر ایران می‌آمد. هنر یک جبهه سیاسی، بازی با ممکنات است نه غرق‌شدن در آرزوها؛ پس اگر اصلاح‌طلبان در سال ۱۴۰۰ باز هم سیاست ائتلاف را در پیش بگیرند، چندان عجیب نخواهد بود».

با چنین اوصافی به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان با نداشتن برنامه جامع انتخاباتی و البته نداشتن وحدت سیاسی میان خودشان از حمایت از لاریجانی چندان ناراضی نیستند و در صورتی که باز هم ردصلاحیت‌ها مانع حضور یک نیروی شناخته‌شده و دارای مقبولیت اجتماعی بالا شود، سیاست ائتلافی این‌بار روی علی لاریجانی پیاده شود؛ هرچند معلوم نیست که در صورت حضور لاریجانی در انتخابات، او به یک ائتلاف تمام‌عیار با اصلاح‌طلبان؛ یعنی مشخص‌کردن سهم جبهه اصلاحات از دولتش راضی شود یا مانند سال ۹۲ اصلاح‌طلبان به معنای دقیق کلمه از او حمایت کنند نه با او ائتلاف. در مجلس هم وضعیت مشابه است و اصلاح‌طلبان در شرایطی که تعداد زیادی نماینده در مجلس ندارند، سعی می‌کنند شرایطی مشابه فراکسیون امید را ایجاد کنند و در ائتلاف با مستقلین نه یک فراکسیون یکدست اصلاح‌طلب، بلکه یک فراکسیون حداقلی با نیروهای مستقل تشکیل دهند، به‌نحوی‌که چند روز پیش مسعود پزشکیان، نایب‌رئیس مجلس فعلی و راه‌یافته مجلس آینده هم درباره این موضوع گفت: «ممکن است فراکسیونی به وجود بیاید». با همه این اوصاف البته هنوز هستند اصلاح‌طلبانی که راضی به ادامه سیاست ائتلافی نیستند و باور دارند که اگر شرایط حضور در قدرت سیاسی فراهم نیست، فعلا عطایش را به لقایش ببخشیم تا با تقویت سرمایه اجتماعی در شرایطی بهتر در عرصه مسئولیت سیاسی حاضر شویم؛ بااین‌حال باید صبر کرد و دید که اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ چه سیاستی را برمی‌گزینند.

علی لاریجانی در آخرین گفت‌وگو به‌عنوان رئیس مجلس:

نمی‌توانیم در حکومت یک بام و دو هوا باشیم

شرق: ۱۲ سال است که نام علی لاریجانی با ریاست مجلس عجین شده است. او اوایل ماه پیش‌رو مجلس را ترک می‌کند و گمانه‌زنی‌ها درباره آینده‌اش در سپهر سیاسی آغاز شده است، از احتمال بازگشت به شورای عالی امنیت ملی تا کاندیدای احتمالی ریاست‌جمهوری برای ۱۴۰۰. خودش اما گفته که «خانه اصلی ما دانشگاه است»؛ لاریجانی گفته «البته برحسب ضرورت زمانی در رادیو و تلویزیون و زمانی در دبیرخانه و مدتی را در مجلس مشغول بودم که از همه موارد راضی هستم زیرا وظیفه ما خدمت به انقلاب است؛ من از حضور در مجلس درس‌های زیادی آموختم و البته تلاش کردم تا مشکلات مردم را مرتفع کنم، با همه این تفاسیر، خانه اصلی ما دانشگاه است بنابراین برای تدریس به دانشگاه می‌روم». او در آخرین گفت‌وگوی تلویزیونی‌اش از عملکرد مجلس دهم دفاع کرد و به سؤالات مختلف و حاشیه‌های مجلس پاسخ داد و از شیرین‌ترین و تلخ‌ترین خاطراتش سخن گفت.

نمی‌توانیم در حکومت یک بام و دو هوا باشیم

شفافیت آرا ازجمله موضوعاتی بود که جنجال‌های زیادی در مجلس دهم و خارج از آن داشت. از همان آذر ۹۶ صف‌بندی موافقان و مخالفان شفافیت آرا در مجلس تشکیل شد و البته درنهایت نمایندگان زیر بار آن نرفتند. لاریجانی دراین‌باره گفت: «شما کُنه این مسئله را درباره خودتان باز نمی‌کنید، باید به این نکته دقت کرد که در تمامی کمیسیون‌های مجلس باز بوده و خبرنگاران می‌توانند به آن ورود کنند. ازسوی دیگر، تمام مذاکرات مجلس علنی است و صحبت موافقان و مخالفان پخش می‌شود و تنها رأی نمایندگان مطابق آیین‌نامه مکشوف نیست». او ادامه داد: «آیا مذاکرات مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان به‌صورت مستقیم پخش می‌شود؟ همه جزء یک حکومت هستیم و نمی‌توان گفت رادیو و تلویزیون مردمی نیست. تنها صحبت‌های رئیس قوه قضائیه از صداوسیما پخش می‌شود، آیا صحبت سایر افراد حاضر در جلسات قوه قضائیه به‌صورت مستقیم از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، آیا جلسات شوراهای موجود در رادیو و تلویزیون مانند شورای معاونین، سیاست‌گذاری و... برای مردم پخش می‌شود؟». او گفت که در ابتدا باید تلاش شود سایر دستگاه‌ها نیز مانند مجلس شفاف باشند و حداقل مذاکرات آنها پخش شود: «پس از این مرحله باید به‌دنبال اجرائی‌کردن گام بعدی بود، نمی‌توان در حکومت یک بام و دو هوا باشیم». به گفته لاریجانی «نباید سایر دستگاه‌ها در نهایت اختفا باشند و تنها یک خبر از آنها پخش شود، اما در مورد مجلس علی‌رغم شفافیت بسیاری که هم‌اکنون وجود دارد به‌دنبال شفافیت بیشتر باشیم».

ارتباط با شورای نگهبان

لاریجانی در بخش دیگری از این گفت‌وگوی تفصیلی به ارتباط مجلس با شورای نگهبان پرداخت. آن هم درحالی‌که در واپسین روزها بیش از پیش مجادله مجلس دهم با شورای نگهبان بالا گرفت. آخرین چالش هم از طرح اصلاح قانون انتخابات آغاز شد که دبیر شورای نگهبان آن را با هدف «بی‌خاصیت‌کردن احراز صلاحیت‌ها» دانست. لاریجانی اما در این زمینه توضیح داد: «برای آیت‌الله جنتی احترام زیادی قائلم، ایشان از سابقون انقلاب هستند و نمی‌دانم این مطلب را گفته‌اند یا نه و شأن ایشان اجل از این است که در جزئیات نظر بدهند، اما تصور می‌کنم مسئله این بوده در هر مجلسی درباره قانون انتخابات وصله و پینه‌ای صورت می‌گرفت و ما در این مجلس گفتیم یک بار براساس سیاست‌های کلی قانون انتخابات بنویسیم که در این زمینه یکی از دوستانی که نماینده مجلس بوده و اکنون عضو حقوق‌دان شورای نگهبان است، کمک کرد». لاریجانی در ادامه فرایند طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات را توضیح داد که مجلس در آن تلاش کرد نظام انتخاباتی را از اکثریتی به تناسبی تغییر دهد. لاریجانی با اشاره به مکالمه تلفنی خود با آیت‌الله جنتی در این زمینه و تأیید و همراهی کار ازسوی کدخدایی، ادامه داد: «بر این اساس، قانون انتخابات بسیار تغییر کرد و دو سال کار برد و بعد در مجلس تصویب شد، اما یک‌دفعه دیدیم شورای نگهبان اصل تناسبی و استانی‌بودن را برهم زده و شفافیت مالی خواست که اینجا مجلس حق داشت ناراحت شود البته موضوع شفافیت مالی را با اصرار شورای نگهبان تصویب کردیم و نمی‌دانیم گره آن کجاست اما درباره قسمت‌های دیگر، مجلس روی نظر خود ماند و نظر شورا به کمیسیون رفت و از آن تبعیت شد و اصل تناسبی را برداشت و در مجلس به تصویب رسید، اما باز هم شورا آن را قبول نکرد». لاریجانی به ردصلاحیت‌ها و بحث‌هایی که در این زمینه شده بود هم اشاره کرد و گفت: «مقداری از این بگوومگوها در مورد تأیید صلاحیت‌ها بود، ضمن اینکه فکر می‌کنم شورای نگهبان فصل‌الخطاب است و به‌هرحال باید نظر آنان را پذیرفت ولی این نقد را هم وارد می‌دانم که در بعضی جاها دقیق عمل نشد، اگر مجلس راجع به حقوق‌دانان شورای نگهبان همین کار را می‌کرد و می‌گفت اشکالاتی همچون فساد دارند آیا اقدام شایسته و خوبی بود؟ مجلس در بررسی حقوق‌دانان شورای نگهبان با متانت رفتار کرد، در مورد بررسی وزرای دولت نیز همین‌طور بود؛ البته این موضوعات گذشته و هر دو طرف باید از این مسئله عبور کنند زیرا مسائل مهم‌تری در کشور وجود دارد».

آیت‌الله هاشمی خدمات بسیاری به انقلاب داشتند

علی لاریجانی در این دیدار از بهترین و بدترین خاطرات خود در مجلس نیز سخن گفت. او درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و شهادت سردار سلیمانی را تلخ‌ترین خاطره خود دانست: «اواخر تصویب برنامه توسعه در مجلس بود که اداره جلسه را برعهده داشتم، یکی از دوستان مراجعه و اعلام کرد که برای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی حادثه ناگواری رخ داده که بسیار خطرناک است؛ بنده همان زمان جلسه را رها کردم و به دفتر آمدم و بعد از پیگیری متوجه شدم که ایشان رحلت کردند که بسیار متأسف شدم، زیرا طی این چهل و چند سال پس از انقلاب بنده اغلب با ایشان محشور بودم و معتقدم ایشان خدمات بسیاری به انقلاب داشتند». او حضور در کنار سردار سلیمانی به‌همراه سیدحسن نصرالله و شهید عماد مغنیه را از دیگر خاطرات شیرین خود برشمرد و گفت: «یک روز شهید حاج قاسم تماس گرفتند زیرا هر زمان که آقای سیدحسن نصرالله به تهران تشریف می‌آوردند، ایشان تماس می‌گرفتند و ما با ایشان جلسات طولانی داشتیم، یک‌بار گفتند ما می‌خواهیم به منزل شما بیاییم، شب هنگام و در موعد شام آقای شهید عماد مغنیه، آقای نصرالله و حاج قاسم به منزل ما آمدند که شب بسیار شیرینی بود».

انتخاب رئیس مجلس زیرچتر ادبیات غیرسیاسی

قالیباف‌هراسی این بار به رهبری مؤتلفه

شرق: انتخاب رئیس مجلس به‌شدت زیر چتر ادبیات غیرسیاسی رفته است. علتش هم این است که یکی از نامزدهای اصلی این پست ۱۲ سالی شهردار پایتخت و قبل از آن هم فرمانده پلیس بوده است. او که گویا می‌خواهد مجلس را هم این‌گونه اداره کند، از این نوع مدیریت به شکل مثبت یاد می‌کند؛ برعکس رقبایش که از این ادبیات برای زدن رقیب استفاده می‌کنند. البته این اشاره به سابقه قالیباف در وجه منفی از سوی رقبای درون‌جناحی‌اش یک علت دیگر هم دارد. رقبای قالیباف به‌ویژه میرسلیم و طیف مؤتلفه به یادشان مانده که ادبیات «سرهنگ» و «لوله» سال ۹۲ برای روحانی جواب داد. حالا آنها همان شیوه را به کار بسته‌اند، شاید رقیب را از میدان به در کنند؛ با یک تفاوت که آن بار قرار بود مردم به رقیب رأی ندهند اما این بار معلوم نیست که نمایندگان چندان مشکلی با ماجرای سابقه نظامی‌گری و شهرداری قالیباف داشته باشند. قالیباف روز گذشته توییت کرد: «یکی از فعالان صنعتی در جمع منتخبان گفت که مشغول‌بودن نمایندگان تهران به سیاسی‌بازی مانع از رسیدگی آنها به مشکلات حوزه انتخابیه‌شان می‌شود. به او گفتم که همه منتخبان تهران در این دوره برای تغییر این رویه هم‌قسم شده‌اند؛ فقط نمایندگان میدانی و عملیاتی می‌توانند مسئله‌ای حل کنند»؛ اما برخلاف او مؤتلفه از همین گذشته، به‌عنوان پاشنه‌آشیل قالیباف در زدوخورد انتخاباتی استفاده می‌کند. اسدالله بادامچیان، دبیرکل حزب مؤتلفه، چند روز پیش گفته بود: «رئیس ارزش‌گرای مجلس یازدهم باید از پختگی، درایت و مرجعیت سیاسی و مدیریتی و از عقبه فکری قوی برخوردار باشد و نگاهش به‌عنوان رئیس قوه مقننه نگاه جامع، کلان و پروسه‌محور باشد؛ نه پروژه‌محور و پیمانکارانه». سیدمصطفی میرسلیم، منتخب مردم تهران در مجلس یازدهم، در صفحه شخصی خود در توییتر با اشاره به ویژگی‌های رئیس مجلس آینده نوشت: «هر فردی را نمایندگان محترم برای ریاست انتخاب می‌کنند، به منظور فرماندهی و آقایی‌کردن بر آنها نیست؛ بلکه برای خدمت‌کردن به نمایندگان است تا بتوانند وظایف مقدس خود را به بهترین وجه ایفا کنند. مجلس در درجه اول نیازمند سخنگویی صادق و مدیری خدوم، باتجربه، پاک و لایق است و نه آقابالاسر». او قبلا هم گفته بود: «انتخاب ریاست مجلس فرایندی قانونی دارد که باید در وقت خودش و طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، به‌ویژه بدون تطمیع و تهدید انجام گیرد». معلوم نیست قالیباف چه خط‌ونشان‌هایی کشیده یا چه نشانه‌هایی از خودش بروز داده که از حالا جمعی نگران آقابالاسری او هستند؛ شاید هم او را می‌شناسند که نگران‌اند یک‌شبه لاریجانی تولید شود. نگرانی دیگر اصولگرایان البته خیز قالیباف برای انتخابات ۱۴۰۰ است. آنها نگران‌اند که او صندلی ریاست مجلس را سکوی پرش و ابزار هدف شخصی خود کند. بارها و بارها هم به گوشه و کنایه آن را مطرح کرده‌اند. برای همین جمعی از اصولگرایان راه‌یافته به مجلس از هم‌اکنون به‌شدت طرفدار محدودشدن اختیارات رئیس مجلس‌اند. اعضای جبهه پایداری و نزدیکان به آنها، میرسلیم و وزرای سابق احمدی‌نژاد از این جمله‌اند و طرحی را هم پیشاپیش آماده کرده‌اند. روز گذشته حاجی‌بابایی وزیر آموزش‌وپرورش احمدی‌نژاد و نماینده همدان در مجلس یازدهم که خودش را نامزد ریاست مجلس هم کرده، گفته است: متأسفانه در مجلس براساس آیین‌نامه، تعریفی که برای رئیس مجلس وجود دارد، شبیه به ریاست‌جمهوری است و اگر طرحی برای اصلاح آن مطرح شود، باید معقول باشد و با نیازهای این جایگاه در مجلس همخوانی داشته باشد. براساس آسیب‌شناسی که از مجالس قبل کردیم، در این مجالس، همه نمایندگان دخیل در کارهای مجلس نبودند. او با بیان اینکه ما نماینده و نماینده‌تر داریم، تصریح کرد: کاری باید کنیم که همه نماینده‌ها در قدرت شریک باشند؛ دراین‌صورت هیئت‌رئیسه قدرتمند می‌شود و مورد حمایت تک‌تک نماینده‌ها خواهد بود. رئیس مجلس جاهای مختلفی مسئولیت دارد و در جاهای مختلف باید حضور پیدا کند و نظر دهد و استدلال ارائه کند؛ اما اگر قرار باشد جایی رأی دهد که بنزین سه هزار تومان شود، نمی‌تواند از طرف خودش نظر بدهد و باید نظر مجلس را بخواهد. حاجی‌بابایی در پاسخ به سؤالی درباره تشکیل جلساتی بین نامزدهای ریاست مجلس برای «نه»گفتن به قالیباف و انتخاب نامزد ریاست بین خودشان نیز گفت: بعضی جاها صحبت از این می‌شود که «نه» به این کاندیدا یا «نه» به آن کاندیدا؛ از نگاه من «نه» به هیچ‌کس وجود ندارد و «آری» وجود دارد و «آری» به حاجی‌بابایی و آری به هر شخص دیگری که نامزد ریاست مجلس است. مردم کسانی را که منفی‌باف هستند و به یکدیگر حمله می‌کنند، خیلی دوست ندارند و حمله و نقدهای غیرمنصفانه کار آدم‌های ضعیف است.

کوتاه

از سوی مقام معظم رهبری اعلام شد

مبلغ فطریه سال ۹۹

● **ایسنا:** دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالی مبلغ و مقدار فطریه هر نفر برای سال ۱۳۹۹ شمسی (۱۴۴۱ قمری) را تقریبا سه کیلو گندم معادل با ۱۰ هزار تومان اعلام کرد. متن این سؤال و پاسخ دفتر معظم‌له به این شرح است:

سؤال: مبلغ و مقدار فطریه برای هر نفر چه مقدار است و چه چیزی باید به‌عنوان فطریه پرداخت شود؟

جواب: مکلف باید برای خودش و کسانی که نان‌خوار او هستند به ازای هر نفر یک صاع (تقریبا سه کیلو) گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از همین‌ها را بدهد کافی است.

(مبلغ زکات فطر برای سال ۱۳۹۹ شمسی مطابق با سال ۱۴۴۱ قمری، بر مبنای قیمت گندم، مبلغ ۱۰ هزار تومان است).

از سوی رئیس قوه قضائیه ابلاغ شد

لغو محرومیت ایرانیان تحت تعقیب از خدمات کنسولی

● **ایسنا:** رئیس قوه قضائیه بخشنامه «عدم صدور دستور محرومیت از خدمات کنسولی به منظور دستیابی به اشخاص تحت تعقیب در خارج از کشور» را به مراجع قضائی کشور ابلاغ کرد. در این بخشنامه آمده است: «برابر گزارش‌های واصله، برخی از مراجع قضائی مبادرت به صدور دستور محرومیت از خدمات کنسولی به منظور دستیابی به اشخاص تحت تعقیب در خارج از کشور می‌نمایند. درحالی‌که بهره‌مندی از خدمات کنسولی از جمله حقوق مدنی هر فرد است که مطابق قانون اساسی (فصل سوم - حقوق ملت) و دیگر قوانین مرتبط، از قبیل ماده ۹۵۸ قانون مدنی، برای اتباع کشور تضمین شده است و در قوانین جاری کشور نیز تصریحی بر محرومیت افراد، اعم از متهمان و محکومان از این خدمات وجود ندارد. بنابراین، نه‌تنها مجوزی برای صدور دستور محرومیت از این خدمات وجود ندارد، بلکه به‌عنوان مجازات اصلی و یا مجازات تبعی و یا تکمیلی نیز نمی‌تواند مورد حکم دادگاه قرار گیرد. لذا مقتضی است مراجع قضائی از صدور حکم یا دستور محرومیت افراد از خدمات کنسولی خودداری نمایند. در صورتی که قبلا دستوری در این ارتباط صادر گردیده، در اسرع وقت نسبت به لغو آن اقدام شود. رؤسای کل دادگستری‌ها و دادسرای انتظامی قضات مسئول نظارت بر اجرای این بخشنامه هستند».

یادداشت

نگاهی به دستور رئیس قوه قضائیه برای توجه به نظرات وکلا

محمدعلی بهمنی‌قاجار*

● دستور اخیر ریاست قوه قضائیه در مورد ضرورت رعایت قوانین موضوعه و استقلال کانون‌های وکلا در اصلاح آیین‌نامه کانون وکلا را باید به معنای توجه ایشان به دیدگاه‌ها و نظرات مخالفان و منتقدان اصلاح آیین‌نامه مذکور از سوی معاونت حقوقی قوه قضائیه دانست. همین که ایشان به مخالفت‌ها با آیین‌نامه پیشنهادی اشاره می‌کند، مشخص است که پیام مخالفت ۱۲ هزار وکیل دادگستری، ۳۰۰ استاد دانشگاه و ۱۸۰ قاضی عالی‌مقام سابق آنچنان رسا بوده که مورد توجه عالی‌ترین مقام قضائی کشور قرار گیرد و ایشان با دیدگاهی هوشمندانه که از پیشینه قضائی‌اش ریشه می‌گیرد، رویکرد تعاملی با منتقدان متن پیشنهادی آیین‌نامه معاونت حقوقی قوه را برگزیده است. البته این نکته مطرح شده که چرا ریاست قوه قضائیه، ایرادات مطروحه از سوی مخالفان تنظیم پیش‌نویس اصلاح آیین‌نامه از سوی معاونت حقوقی قوه قضائیه را بی‌دلیل دانسته است، درحالی‌که این ایرادات بر مبنای حقوقی محکم و روشنی استوار بوده که مهم‌ترین آن همانا نقض ماده ۲۲ قانون استقلال کانون‌های وکلاست. اما به نظر می‌رسد نباید چندان در بخش تحلیلی دستور رئیس قوه تمرکز کرد. مهم، دستور رئیس قوه قضائیه است که بر رعایت قوانین موضوعه تأکید کرده است. نکته دیگر بحث اعطای مهلت به کانون‌های وکلا برای ارائه پیشنهادات است. این موضوع نیز در میان برخی که نگاه بدبینانه‌تری دارند، به این معنا تعبیر شده است که گویا باز قوه قضائیه برای کانون، مقام و جایگاه مشورتی قائل است و می‌خواهد نظرات مشورتی از کانون‌ها اخذ کند. به نظر چنین تعبیری با تأکید صریح ریاست قوه قضائیه در مورد ضرورت رعایت قوانین موضوعه و استقلال کانون‌های وکلا هماهنگی ندارد. دستور اخیر ریاست قوه قضائیه را باید به این‌گونه تعبیر کرد که رئیس قوه معتقد است هرگونه اصلاحی در آیین‌نامه قانون استقلال کانون‌های وکلا باید از طریق سازوکارهای قانونی آن باشد و در این راستا خواستار تعامل و مذاکره کانون‌های وکلا و قوه قضائیه؛ یعنی دو مرجع تنظیم و تصویب آیین‌نامه مذکور شده است.

*وکیل پایه‌یک دادگستری